

بررسی تطبیقی دو دیدگاه اسلام و مسیحیت به مسئله رنج

اعظم

خان میرزایی*

چکیده

موضوع این بررسی تطبیقی دو دیدگاه اسلام و مسیحیت به مسئله رنج، رنج پدیده ای عمومی در زندگی انسان است که مهم ترین جنبه آن، خاصیت رشد دهنده آن است. تقریباً تمامی ادیان و فرهنگ ها به مسأله رنج توجه کرده اند که با بررسی آیین مسیحیت و اسلام به دیدگاه مثبت آن دو نسبت به اصل رنج دست خواهیم یافت که رنج را جهتی برای رسیدن انسان به کمال می داند و معتقد است انسانی که همواره مأنوس با یاد خداست، در برابر رنج هرگز به نوسان ها و اضطراب های روحی و روانی دچار نمی شود. قرآن در موارد متعدد با پذیرش رنج و مصیبت در زندگی انسان، آن را هدفمند و عمق آن را خیر و خوبی و وسیله ای برای رسیدن به کمال می داند. در عهد جدید نیز دو دیدگاه اساسی درباره رنج هایی که فرد متحمل می شود وجود دارد. طبق یک دیدگاه رنج نتیجه گناهان یا بدکاری های خود شخص است، طبق دیدگاه دوم رنج های این دنیا امتحان فرد هستند و راحتی اخروی را به دنبال دارد.

با توجه به نگاه دوم است که بسیاری از راهیان و عارفان بزرگ مسیحی نه تنها رنج را ارزشمند دیده اند بلکه آرزومند آن بوده و آن را برخورد تحمیل کرده اند. برخی از آباء کلیسا تا حدی بر این باور تأکید داشتند که شهادت را تنها راه یک مسیحی واقعی شدن می دانستند. این نوشتار به بررسی جایگاه رنج در زندگی انسان، بررسی تطبیقی دیدگاه های اسلام و مسیحیت درباره ی رنج، آثار و فواید رنج از منظر اسلام و راهکارهای برون رفت از پیامدهای رنج خواهد پرداخت.

کلمات کلیدی: رنج، اسلام، قرآن، مسیحیت، عهد جدید، کلیسا، امتحان، گناهان، کمال.

*. طلبه سطح ۳ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا ۱ مدرسه علمیه

طرح بحث

امروزه با توجه به این که اکثر ناراحتی های انسان نتیجه ی رنج ها و سختی هایی است که در زندگی افراد وجود دارد، یک جامعه زمانی پویا خواهد بود که نگاه به موضوع رنج، یک نگاه واقع بینانه شود و آن را پایه ای برای رشد و ترقی به سوی کمال بداند. ولی در صورتی که نگاه واقع بینانه نبوده و یا به تعبیری با روبرو شدن با رنجی و یا سختی به دنبال رفع آسیب ها برآید، قطعاً این روش نمی تواند جامعه و یا انسان را از انواع سختی ها برهاند. مگر در صورتی که انسان درصدد شناسایی سبب و علل رنج ها باشد که در آن موقع می تواند آن جامعه ی پویای ایده آل که آرزوی هر بشری است، به وجود آورد و این تفکر است که می تواند فرد را به یک زندگی بهتر و ایده آل در سایه ی درایت و شناخت کافی راهنمایی نماید.

رنج و شادی، دو حالت درونی است که تقریباً بیشتر انسان ها به نوعی با آن ارتباط دارند.

با توجه به این که انسان در سختی و رنج آفریده شده و در طول زندگی با مشکلات مختلفی روبروست، عدم مدیریت مشکلات موجب اختلالات عصبی و نارضایتی از زندگی خواهد شد. بررسی این موضوع و بیان دیدگاه اسلام در مورد رنج که آن را عامل تکامل می داند و مدیریت مشکلات، می تواند انسان را به تعادل روحی برساند.

مسأله ی اصلی این است که چرا زندگی انسان توأم با رنج و سختی است؟ فلسفه رنج چیست؟

در سنت یهودی مسیحی، به ویژه در کتاب مقدس، به آموزه رنج از ابعاد مختلف پرداخته شده است. در عهد عتیق، به ویژه در اسفار پنج گانه، رنج در قالب رابطه گناه و کیفر تبیین می شود. این رابطه در کتاب ایوب، با پیش کشیده شدن رنج بی گناهان و برخوردارگی گناه کاران، زیر سؤال می رود و در مزامیر و بیانات اشعیا و ارمیا همین روند تداوم می یابد. در عهد جدید رابطه دیگری غالب می شود که در آن به جای جست و جوی علت رنج در گذشته فرد یا اسلاف او به کارکرد رنج و ویژگی تعالی بخشی آن توجه شایانی شده است.



با پذیرش اینکه رنج چیزی جدا از انسان نیست و همان‌گونه که لذت در زندگی انسانی وجود دارد، رنج هم جزئی از آن است، می‌توان اولین قدم برای موفقیت و حرکت در مسیر رشد را این دانست که رنج و سختی برای همه وجود دارد و یک گزینه و سکویی برای ارتقای سطح شخصیتی و سواد شناختی است و نه صرفاً یک مانع برای رشد و موفقیت.

نوشته پیش رو به دنبال این است که بعد از مفهوم شناسی، به بحث درباره موضوع رنج در این دو دیدگاه پرداخته و راهکارهای رهایی از رنج و نیل به شادی از نظر اسلام و مسیحیت را به صورت توصیفی بررسی نماید.

مفهوم رنج

واژه رنج در لغت به درد، آزار، زحمت، مشقت، اندوه و حزن معنا شده و به سختی ناشی از کار و کوشش نیز اطلاق گردیده است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه رنج) معادل واژه «رنج» در زبان عربی واژه «الم» و «وجع» استعمال شده است. (فراهیدی/۱۴۱۰ ق: ج ۸ / ۳۴۸) و مترادفات دیگری چون «کبد، تعب و...» نیز به این معنا به کار رفته‌اند.

رنج حقیقتی انکارناپذیر در عالم هستی و مورد درک وجدانی همه افراد بشر است؛ اما آنچه در این زمینه همواره اندیشه‌ی انسانی را که فطرتاً طالب لذت و سعادت است به خود مشغول کرده، چیستی این حقیقت و چگونگی مواجهه با آن است.

می‌توان رنج را یک حالت هیجانی بسیار ناخوشایند همراه با درد یا پریشان‌خاطری قابل ملاحظه دانست. با به کار بردن کلمه همراه با مسأله درد یا پریشان‌خاطری قابل ملاحظه که یا موجب رنج می‌شود و یا گونه‌ای رنج است و یا به لحاظ ادراکی با رنج همپوشی دارد، نادیده گرفته می‌شود. بسا که هراس، گونه‌ای رنج باشد و نه تنها علت. بسا که درد جانکاه در ساحت عاطفی‌اش رنج باشد. در اینجا داوری هر کس بر تحلیل‌های خاص خودش از این حالات نفسانی مبتنی خواهد



بود.

رنج بردن و میزان آن می‌تواند بر حسب تلقی‌ها یا انتظارات همراه با درد یا پریشان‌خاطری یا موقعیتی که در آن درد یا پریشان‌خاطری رخ می‌دهد، متفاوت باشد. اگر درد بدون هدفی مورد نظر تحمل شود، یا اگر شخص معتقد باشد که سردرد نشانه وخامت جسمانی قریب‌الوقوعی است، آنگاه درد خفیف سردردی معمولی نیز می‌تواند به پریشان‌خاطری و رنجی عظیم منجر شود. از سوی دیگر گاهی می‌شود که رزمندگان جراحات شدیدی بر می‌دارند اما گویی که رنج زیادی نمی‌برند، برای نمونه به خاطر نگرش‌های مثبت به آرمان‌های قهرمانانه که جراحاتشان قرآینی بر آن‌هاست. دوندگان دو استقامت که درد و مشقت را در یک مسابقه تجربه می‌کنند رنج بردن یا نبردشان هر دو ممکن است و یا اینکه ممکن است که کمابیش رنج برند و این به مؤلفه‌های روان‌شناختی بسته است، مانند اینکه چگونه به تلاش‌هایشان ارزش می‌گذارند و یا اینکه آیا نسبت به ادامه مسابقه آسوده‌اند یا نگران. بدین سان، نه تنها هر معنایی که شخص به موقعیتش می‌دهد، بلکه انتظاراتش از آینده مؤلفه‌های مهمی در رنج بردن و میزان آن است. (فریامنش/۱۳۸۶: ۱۷)

جایگاه رنج در اسلام

رنج چیزی جدا از انسان نیست و همان گونه که لذت در زندگی انسانی وجود دارد، رنج هم جزئی از آن است. اولین قدم برای موفقیت و حرکت در مسیر رشد، رسیدن به این مسأله است که رنج و سختی برای همه وجود دارد و یک گزینه و سکویی برای ارتقای سطح شخصیتی و سواد شناختی است، نه صرفاً یک مانع برای رشد و موفقیت.

اسلام دین یکتاپرستی و توحیدی و کامل‌ترین ادیان است که به بررسی دیدگاه آن نسبت به رنج می‌پردازیم. اسلام یکی از ویژگی‌های انسان را مصیبت کشیدن و رنج می‌داند که در مقایسه با دیگر ویژگی‌های او مهم‌ترین خصیصه نیز تلقی نمی‌شود؛ همچنین از نظر اسلام،



خالق هستی به گونه ای دنیا را آفریده است که راهی برای رهایی از مصیبت ها و مشکلات وجود ندارد و در نهایت مصیبت دیدن غیر از رنج کشیدن است. از مصائب دنیا راه فراری نیست و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام: «الدنيا دارٌ بالبراء محفوفة»؛ دنیا سرائی است (اهل) آن را غم و رنج فرا گرفته است. (سید رضی/ ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۲۱۹)

انسان از ساختار زندگی دنیا پی به اراده ی غالب و قاهری می برد که آن مشیت خداست و تنها اراده ی اوست که به تمامی اراده ی عالمیان حکومت می کند. (طباطبایی/ ۱۴۱۷ ه.ق: ج ۲۰، ص ۳۲۷) اما خالق هستی، علاوه بر رنج در زندگی انسان، به موارد دیگری هم اشاره می کند؛ از جمله بی صبر و شتابان بودن انسان در به دست آوردن حقیقت؛ به طوری که در به دست آوردن خیر و صلاح خود، به اشتباه می فتد و ناآگاهانه شر و زیان خود را می طلبد. (اسراء/ ۱۱)

از دیدگاه ائمه ی هدی: هرچند وجود مصائب و مشکلات در زندگی همه بشر پذیرفته شده است، اما رنج بردن حاصل از مصیبت، وابسته به نگاه آدمی به مصائب و مشکلات است. آنگاه که انسان به مصائب منفی بنگرد، همیشه در رنج است؛ اما اگر مثبت بنگرد، آن گونه که امامان شیعه: در رویارویی با مصائب و مشکلات با آن ها برخورد می کردند، از آنجا که به مقام رضا رسیده اند و اراده ی خود را در اراده ی خدا فانی می بینند و با تمام وجود با کسی که غنی، پاک، زیبا و مهربان است احساس پیوندی نزدیک می کنند و علت ایجابی آرامش را فقط در رضای خدا و یاد او می بینند. لذا «ما رأیتُ إلا جمیلاً» بر زبان می رانند و به کلی از ورطه ی رنج رها می شوند. اولیای الهی با یاد خداوند به آرامشی می رسند که گرچه به مصیبت های سخت همچون زندان و امثال آن گرفتار شوند، اما هرگز به نوسان ها و اضطراب های روحی و روانی دچار نمی شوند.



جهان همواره دستخوش تغییر و دگرگونی است و در واقع، مجموعه ای است از خوشی ها و ناخوشی ها، آسایش و سختی ها، درشتی ها و نرمی ها، پستی ها و بلندی ها و... . علل متعددی را برای گرفتاری ها و مصیبت ها ذکر نموده اند که قرآن و ائمه ی هدی: به برخی از آن ها از جمله آزمایش اشاره نموده اند.

آنچه از بررسی آیات و روایات به دست می آید آن است که ویژگی های آزمایش عبارت اند از: همگانی بودن آزمایش ها، متفاوت بودن آزمون ها، (حقی / بی تا: ج ۴، ص ۱۰۰) آزمایش یک فرد، وسیله آزمایش دیگران، امکانات؛ معیار آزمون ها، آزمایش ها؛ دلیلی بر اختیار انسان، توجه به عملکرد گذشتگان در برابر آزمون ها، توجه به آگاهی خداوند از همه ی مشکلات.

آزمایش انسان ها یک سنت قطعی الهی است و همه ی انسان ها، حتی پیامبران الهی از این مرحله عبور کرده اند. انواع آزمایش عبارت اند از: امتحان عقیدتی، امتحان مالی، امتحان خانوادگی از منظر دین اسلام، برخی بلاها و مشکلات نتیجه ی گناهان فردی و اجتماعی است. به بیان دیگر هر عملی دارای عکس العملی و هر کنشی دارای واکنشی است. بر این اساس، مکافات و عکس العمل اعمال، علاوه بر آخرت، در دنیا نیز وجود دارد؛ با این تفاوت که مکافات در دنیا نسبت به آخرت، بسیار کم رنگ تر می باشد؛ بنابراین بلا و گرفتاری واقعی بلایی است که به واسطه گناه به وجود آمده باشد. (مطهری / ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۸۴)

آثار فردی گناه عبارت اند از: افزون بر قطع روزی، عدم امنیت از حوادث، ذلت و بیچارگی، پاره ای از بلاها که رابطه نزدیک با گناهان دارد، عبارت اند از: زندگی سخت، مستجاب نشدن دعا. آثار اجتماعی گناه نیز عبارت اند از: نزول بلا و آفات، تغییر نعمت های الهی، تغییر سرنوشت انسان. بلاها هرچند به ظاهر سختی و محنت هستند ولی آثار و فوایدی دارند که آن ها را در ردیف برترین نعمت های الهی قرار می دهد. از اینرو در ادامه به ذکر پاره ای از فواید آن ها اشاره



میکنیم: تکامل، (کلینی/ ۱۳۶۷: ج ۲ / ۲۷۱) شکوفایی استعداد، (فجری/ ۱۳۹۱: ۹۰) حفظ و تقویت ایمان، (شایقی/ ۱۳۹۴: ۱۹۹-۱۹۷) آزمایش، پیشگیری و درمان، (قرائتی/ ۱۳۸۳: ج ۵ / ۱۸۹) اجر و پاداش (دیلمی/ ۱۴۰۸ ه.ق: ۴۳۲). خدامحوری و پذیرش شریعت حیاتی جزو راه حل های اسلام برای برون رفت از رنج در دین اسلام می باشند.

از دیگر راهکارهای برون رفت از رنج در اسلام می توان به مواردی از قبیل: صبر (مکارم شیرازی/ ۱۳۷۹ ه.ق: ج ۲ / ۴۶۳) شکر و رضا (طباطبایی/ ۱۳۶۲: ج ۲ / ۳۲۷)، دعا، توسل (ر.ک: شایقی/ ۲۶۹-۲۶۶) صدقه، اندیشه و عبرت، داشتن جهان بینی الهی.

دیدگاه مسیحیت درباره رنج

رنج Passion از کلمه Passio لاتین اخذ شده است که دارای معنای مختلفی است.

الف) معنای متعارف آن، تحریک و یا به هیجان آوردن عواطف است. رنج در این معنا گاه اشاره دارد به شهوت و رنج حاصله از آن که در آیات چندی از کتاب مقدس بیان شده است. (کتاب مقدس / ۱۹۸۷: قرتیان ۷:۹:۱)

ب) گاه به معنای برخی چیزهای رنج آور و یا تن در دادن به آنها می باشد.

ج) این واژه همچنین برای اشاره به رنج و مرگ مسیح به کار برده شده است؛ و به لحاظ ریشه شناسی مفهوم آن به رنج جسمانی و به طور ویژه به شکنجه و عذاب مسیح و بعدها مسیحیان اولیه مربوط می شود. در میان مسیحیان اولیه این کلمه به کرات برای اشاره به مصیبت نامه مسیح به کار برده شده است.

رنج در الهیات مسیحی اصطلاحی است که به رنج باطنی، الم جسمی و یا مصائب مسیح در هفت آخر حیاتش (از شام آخر تا مصلوب شدن) و همچنین به کل آئین رستاخیز وی اطلاق می شود.

Passion اولین اصطلاحی است که در قرن دوم در متون مسیحی به طور دقیق برای شرح رنج ها و مصائب مسیح به کار رفته است. این واژه کاربردهای متعددی دارد و امروزه برای شرح



روایت‌های شهادی مسیحی نیز به کار می‌رود؛ و به طور اساسی واژه Passio شرح گزارش رنج یک شهید است که به واسطه مسیحیان مکتوب شده است و مبتنی بر شهادت شاهدان عینی است. این مکتوبات را رنج‌نامه یا مصیبت‌نامه نیز می‌گویند. امروزه عبارت روایت رنج Passion Narrative اغلب برای گزارش به کار برده می‌شود و نقل روایت رنج مسیح (دستگیری، محاکمه و مصلوب شدن او) در چهار انجیل به صورت مشروح بیان شده است.

رنج از دیدگاه سورن کرگور

کرگور رنج را یکی از ویژگی‌های فردی انسان می‌داند. او در سپهر دینی رنج را نه تنها کیفر گناه یا مانع رشد انسان تلقی نمی‌کند، بلکه آن را لازمه وجود انسانی، نشانه عمل مذهبی، عامل تعالی و مکتبی آموزنده می‌داند که فرد در آن حقیقت مسیحیت را - که همان اقتدا به مسیح است - فرا می‌گیرد، مسئولیت رنج و تسلای خود را بر عهده می‌گیرد، رنج خویش را در مقایسه با ابدیت و شادی ابدی علی‌رغم سنگینی و سختی‌اش سبک بارانه تحمل می‌کند، آن را راه تعالی خویش می‌داند و در طریق رنج به وادی ابدیت و عشق الهی پای می‌گذارد.

در سنت یهودی مسیحی، به ویژه در کتاب مقدس به آموزه رنج از ابعاد مختلف پرداخته شده است. در عهد عتیق به خصوص اسفار پنج‌گانه، رنج در قالب رابطه گناه و کیفر تبیین می‌شود. این رابطه در کتاب ایوب با پیش کشیده شدن رنج بی‌گناهان و برخوردارگی گناهکاران زیر سؤال می‌رود و در مزامیر، اشعیا و ارمیا همین روند تداوم می‌یابد.

اما در عهد جدید رابطه دیگری قالب می‌شود که در آن به جای جستجوی علت رنج در گذشته فرد یا اسلاف او به کارکرد رنج و ویژگی تعالی بخشی آن توجه شایانی شده است. سورن کرگور از افرادی است که از منظر مسیحیت پروتستانی به کتاب مقدس و به خصوص عهد جدید پرداخته است؛ و مکتب فکری اگزیستانسیالیسم را پایه‌گذاری کرد. او به رنج نه به عنوان



رابطه گناه و کیفر و نه مانع می‌نگرد، بلکه به عنوان یکی از ویژگی‌های انفسی انسان به آن توجه می‌کند. آموزه رنج چنان در نظر وی اهمیت دارد که در گستر دینی، آن را تعلیم دهنده، نشان مسیحیت حقیقی و راه تعالی فرد می‌داند. هر چه رنج عظیم‌تر، کمال نزدیک‌تر است، چنین رنجی یک‌باره حادث نمی‌شود بلکه مرهون کوشش مداوم از سوی خود فرد است. برای فرد مذهبی رنج زبان گویای نسبت فرد با خداوند است. هر چه رنج عمیق‌تر، رابطه فرد با خداوند بیشتر می‌شود. رابطه فرد با خدا چنان قرین رنج است که بی‌رنجی به معنای غیرمذهبی بودن تلقی می‌شود.

رنج دینی ویژگی تعالی بخشی، سازندگی و آموزندگی دارد که کرکگورد از آن با عنوان مکتب رنج یاد می‌کند. اقتدای مؤمن مسیحی به عیسی مسیح در آموزه رنج، محوری‌ترین دغدغه کرکگورد است. نجات و رهایی تنها در سایه رنج کشیدن در خدمت به دیگران خلاصه می‌شود. بنا بر کتاب اعمال رسولان پیرو حقیقی مسیح بودن همراه با زحمات بسیار است و این پیروی جز در سایه رنج تحقق نمی‌یابد. به عقید کرکگورد پیروی از مسیح نقطه عطف مسیحیت حقیقی است. بدین ترتیب خوشا به حال کسی که در پیروی از مسیح رنج را پذیرا گشته و از لذت گناه دوری می‌کند (سورن / ش ۶۰۵، صص ۹۹-۱۰۰) پولس معتقد است که رنج خوب است وقتی به طور متناسب استفاده شود. او بیان می‌کند که تنها به واسطه رنج، می‌توانیم ارتباطی روحانی با خداوند بیابیم؛ و جلال مسیح در رنج او است که هویدا می‌گردد.

رنج در کتاب مقدس

مصائب مسیح از اعتقادات اصلی و کانونی مسیحیت می‌باشد. روایت رنج عیسی مسیح در آیات چندی از کتاب مقدس به ویژه اناجیل اربعه و باب اول کتاب اعمال رسولان ذکر شده است. رنج مسیح در اناجیل شامل بخش‌هایی است:

الف) بخش باستانی که اساس مشترک داستان رنج پیر صومعه یا مسیح در چهار انجیل است.



ب) توسع سنت اناجیل دربار این رنج.

ج) خصوصیت رنج در داستان‌های این چهار کتاب قانونی است.

شرح مصیبت عیسی مسیح در اناجیل هم نظر شبیه به هم و در انجیل یوحنا با اضافاتی بیان شده است. از نظر مسیحیت حداقل سه پیام در عهد عتیق به پیش‌گویی دربار رنج مسیح اختصاص یافته است. اولین و بدیهی‌ترین آن پیام‌ها کتاب اشعیا، «او خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غم‌ها و رنج‌دیده، مثل کسی که روی‌ها را از او بپوشانند ... او زحمت کشیده و مضروب ... او تواضع نموده و همچون بره‌ای که برای ذبح می‌برند بی‌زبان است ...»، دومین مورد کتاب مزامیر و آخرین مورد کتاب زکریا و کتاب حکمت سلیمان می‌باشد.

حکایت رنج (مرقس / ۱: ۴۳-۴۷) عیسی مسیح با داخل شدن وی در اورشلیم یعنی در یکشنبه نخل ریزان یا عید فصح آغاز می‌شود؛ که شامل پاک‌سازی معبد، شام آخر، شستن پاهای شاگردان، سكرات موت، تسلیم کردنش توسط یهودای اسخریوطی، آزمایش مسیح قبل از اعمال قدرت یهود و روم بر وی، دست‌گیری مسیح توسط رومیان، تازیانه زدن وی، گذاشتن تاج خار بر سرش، آب دهان انداختن بر وی، حمل صلیب، بردنش به جلجتا، درد و رنج فراوان، استهراء نمودن، تقسیم لباس، نیزه زدن، مصلوب کردن همراه با دو دزد، درحالی که او قدوس بود.

علل رنج در مسیحیت

رنج یا الم یکی از مشکلات مداوم نوع بشر است. حتی کسانی که در مقایسه با دیگران به نسبت رنج کمتری متحمل می‌شوند، پیوسته با رنج دیگران روبه‌رو هستند. مثل رنج‌های بدنی، یأس، افسردگی، انزوا، بحران روحی، ترس و ... و یا رخ دادن سختی‌ها برای انسان‌های مذهبی و پاک. به طور یقین اقوام مقدس با حضور رنج در زندگی خود تلاش می‌کنند و راه‌هایی را برای درک و روبه‌رو شدن با رنج جستجو می‌کنند؛ که این متضمن آن است که هم به قدرت



خداوند و هم به خیر مطلق بودن او باور داشته باشند. علل رنج را می‌توان در چندین مورد شرح داد:

اولین دیدگاه در علت رنج، گناه فردی و یا اجتماعی است. بدین ترتیب گناه رنج به عنوان نتیجه گناه انسان نخستین در نظر گرفته می‌شود. این گفته که رنج گناه طبیعت انسانی است در ابتدای فصل سوم کتاب پیدایش آمده است: «... دنیا بر آن بود که مکان خوبی باشد اما با سرپیچی آدم و حوا رنج وارد دنیا شد.» (پیدایش / ۳: ۱۷-۲۰) همچنین اسرائیل چون اوامر خداوند را رها کرد، خداوند ایشان را در عوض از حضور خود دور انداخت و اسیر آشوریان کرد.» (پیدایش / ۳: ۱۱-۱۵)

بنا بر دومین دیدگاه، علت رنج هرگز خدا و طبیعت انسانی نیست بلکه نیروهای مافوق طبیعی شر که مخالف با خدا و انسان‌ها هستند، در نظر گرفته می‌شوند. در عهد عتیق هرگز از این نیروهای شر با نام دیو یاد نشده است؛ اما از لوسیفر به عنوان موجودی تشخص یافته با نام مار و شیطان یاد می‌شود. در کتاب‌های دیگر عهد عتیق به یک موجود عظیم‌الجثه دریایی که مظهر قدرت‌های شر و مافوق بشری است، اشاره شده است. در عهد جدید رنج انسان اغلب با حضور دیوها (لوقا/ ۳۸: ۹-۳۹)، روح خبیث و ارواح شریر، شیطان (لوقا/ ۱۳-۱۶)، ابلیس می‌باشد که موجب رنج فیزیکی و روحانی می‌شوند؛ که این امر ناشی از گناه انسان یا اجرای عدالت خداوند است. همچنین در بخش‌های دیگر عهد جدید به خصوص کتاب مکاشفه آمده است که خداوند کسی است که این دنیا را آفریده و برای آن تحول و دگرگونی را وضع کرده است، در چنین دنیایی شر رشد می‌کند و نیروهای آن بر دنیا ناظر هستند و هر چه به زمان پایانی نزدیک می‌شویم سیطره نیروی شر بر دنیا بیشتر می‌شود. در این دوران هم ابناء بشر دچار رنج و مصیبت عظیم خواهند شد. دیدگاه سوم، امتحان از سوی خداوند است یعنی خداوند انسان‌ها را به واسطه الم و رنج‌هایشان مورد آزمایش قرار می‌دهد. اینکه آیا انسان به خدا با ایمان می‌ماند یا خیر؟ درحقیقت رنج، آزمایش



و هدایت به خوبی های بزرگ‌تر، خیروبرکت می‌باشد. برای نمونه رنج ابراهیم در قربانی فرزندش، رنج یوسف از برادرانش، مصائب ایوب، وسوسه عیسی از سوی شیطان.

رنج نامه

رنج نامه شهدای مسیحی دو نوع می‌باشد. قسم اول آن به بخشی از عناصر معجزه‌آسا محدود می‌شود، همانند گزارش شکنجه و شهادت قدیس پولی کارپ و مصیبت نام قدیسانی چون پرپتوا، فلیسیتاس و یا رنج نام شهدای اسکیلیتین آمده است. نویسندگان بعدها این گونه روایات را با اتفاقات خیالی و معجزه آسا یا آزمون‌های اقناع کنند توده پسند تقویت کردند. برای نمونه رنج‌نامه‌های مربوط به هیپولیتوس، سباستین و غیره این چنین می‌باشند.

نوع دوم رنج‌نامه‌ها از قرن پنجم به بعد کاملاً شرح اساطیری زندگی یا مرگ یک شهید یا قدیس است که به طور معمول چیزی بیشتر از یک نام و به طور احتمالی یک محل به عنوان اساس و شالوده ندارد؛ مانند رنج نام قدیسه کاترین اسکندرانی و قدیس جورجی که بدون شالود تاریخ شناختی می‌باشند. این رنج‌نامه‌ها که مربوط به اعمال شهدا هستند، از رنج‌نامه‌های نوع اول معتبرتر می‌باشند. زیرا عمل درست یک شهید را به طور برجسته نشان می‌دهد. این گزارش‌ها، گزارش‌های تندنویسی یک صاحب منصب از رنج و مرگ یک شهید است که تنها تعداد اندکی از آن‌ها برجای مانده است. این رنج‌نامه‌ها از سوی مدافعان به عنوان دلیلی بر حقانیت اصل الهی دین مسیحیت به کار می‌رود؛ اما به طور خاص کاربرد ویژه آن‌ها ترغیب مسیحیان به پاک‌دامنی و سرمشق گرفتن از شهدا بوده است. از شهدای مسیحی می‌توان به قدیس استیفان و قدیس جیمز به عنوان اولین افراد از شهدای افتخارآمیز مسیحی اشاره کرد. قدیس استیفان از نخستین رهبران کلیسای اورشلیم بوده و دارای ایمانی راسخ و پر از روح بود که برای ایمان راستینش به عیسی مسیح مورد رنج و آزار قرار گرفته و سنگسار شد (لوقا/ اعمال



رسولان ۶-۸)؛ و از مهم‌ترین شهدای مسیحی، قدیس پطرس و قدیس پولس بودند که هر دو در روم آرمیده‌اند. هم شهدای مسیحی وفاداری خود را به عیسی مسیح با مرگ و شهادت خود نشان می‌دهند.

یادبود رنج

هفته رنج، مصلوب شدن و زخم میخ از مواردی هستند که در آئین مسیحیان گرامی داشته می‌شوند.

الف) هفته رنج

هفت رنج هفته پیش از عید پاک است، یعنی هفته میان یکشنبه نخل ریزان (روز ورود عیسی مسیح به اورشلیم، عید فصح) و یکشنبه عید پاک (زمان ایثار و فداکاری و رنج بردن مسیح) را گویند. که رنج خداوند ما عیسی مسیح یا رنج بر صلیب نیز خوانده می‌شود. در ابتدا این هفته با نام هایی چون هفت دینی یا هفته عبادت بود.

در کتب قانونی رومی و یونانی با نام هفت بزرگ عنوان شده است. زیرا زحمات بزرگی برای خداوند در طول این هفته رخ می‌دهد. نام هفت خوب یا مقدس در قرن چهارم توسط آتاناسیوس اسقف اسکندریه و اپیفانیوس اسقف قسطنطنیه به کاربرده شد. در ابتدا تنها روزهای جمعه و شنبه به عنوان روزهای مقدس در نظر گرفته می‌شدند. روز جمعه در واقع به یادبود روز

مصلوب شدن عیسی مسیح بوده است. جمعه پاک مهم‌ترین حکایت رنجی است که طی هفت مقدس خوانده می‌شود. در کلیسای کاتولیک روم یک صلیب بزرگ از مصلوب شدن مسیح ساخته شده به طوری که هم کلیساها و هر مؤمن مسیحی به آن ادای احترام نموده و مقدسش می‌شمارند.

کشیش بخشی از حکایات رنج مسیح را می‌خواند. همچنان که گزارش‌هایی از قرن چهارم وجود دارد که حکایت از زیارت آثار برجای مانده از رنج مسیح و ستایش صلیب در جمع خوب و همچنین خواندن درد و رنج وی از روی اناجیل در طول هفت مقدس و پرستش صلیب دارد. به تدریج روز



چهارشنبه نیز به عنوان روزی که مسیح در آن داوری شد بر آن ها افزوده گردید؛ و بعدها روزهای دیگر هفته به آن ضمیمه گشت تا هفت مقدس به شکل امروزی درآمد. این هفته همراه با موسم روز مصیبت بزرگ است؛ که بعدها با اصلاحات انجمن واتیکان دوم (۱۹۶۵-۱۹۶۲) دور روز مسیحی ساده تر شد. امروزه کلیساهای مسیحی و مراسم بزرگی را به مناسبت هفت رنج مسیح برگزار می کنند؛ و روز جمعه را به عنوان یادبود مصلوب شدن مسیح روزه می گیرند. تمام رویدادها و اتفاقاتی که در هفت رنج رخداد نموده است در اناجیل به صراحت بیان شده است. (شیرخدایی / ۱۳۹۴؛ شماره ۳ / ۶۰)

ب) مصلوب شدن

منابع رومی دلالت بر این موضوع دارند که مصلوب کردن یک شیوه متداول اعدام بود؛ و به طور کلی بر ضد شورشیان و یاغیان سیاسی به کار می رفت. رومی ها از مصلوب کردن به عنوان یک عبرت و مانع بر ضد مقاومت سیاسی بهره می جستند. پیش از مسیح، مصلوب شدن بدترین و قبیح ترین نمونه مرگ بود و مصلوب را ملعون می دانستند. این عمل به شیوه های مختلفی انجام می شد. صلیب را داخل زمین فرومی کردند، به طوری که پاهای شخص مصلوب بر زمین قرار نگیرد. وی را برهنه کرده و لباس هایش را بین خود تقسیم و هر دست را بر یک سر چوب صلیب میخ می کردند و پاها را با هم بر چوب عمودی صلیب میخ می نمودند تا فرد مصلوب قادر به هیچ گونه حرکت نباشد. چهار نفر هم نگهبان این شخص بودند. گناه فرد را بر روی لوحی نوشته و بر بالای سرش نصب می کردند. سپس شخص را رها کرده تا بر صلیب جان دهد برای تسریع در مرگش گاه بر پایین صلیب آتش افروخته و گاه ساق پای او را می شکستند تا بر اثر خونریزی جان دهد و یا او را زیر آفتاب از صبح تا شب قرار می دادند تا به تدریج جان دهد البته گاهی اوقات فرد مصلوب تا سه روز بر روی صلیب زنده بود. صلیب ها از جنس چوب و در



اشکال مختلف بودند. (شیرخدایی / ۱۳۹۴: شماره ۳ / ۶۱)

ج) زخم میغ

در مسیحیت بازآفرینی زخم‌های جسمانی مسیح در بدن انسان را زخم میغ گویند؛ و در عرفان مسیحی به معنای نشانه‌هایی بر بدن، زخم و داغ نهادن و یا رنج‌های مصلوب شدن مسیح می‌باشد؛ و همگی آن‌ها اغلب برای همراهی و هم‌دردی جذب دینی به کار می‌روند. این زخم‌ها شامل: زخم‌هایی بر روی سر (تاج خار)، زخم پشت (شلاق زدن)، زخم اطراف بدن (نیزه زدن)، زخم‌هایی بر روی دست و پا می‌باشد.

بعد از رنج عیسی مسیح حکایت وجود زخم میغ در بدن برخی از قدیسان گزارش شده است. این جراحات در بدن قدیس پولس و قدیس فرانسیس آسیزی (۱۲۲۴) دیده شده است.

پولس در غلاطیان اذعان داشته است، «بعد از این هیچ کس مرا زحمت نرساند زیرا که من در بدن خود داغ‌های خداوند عیسی را دارم.» گفته پولس به دو گونه تفسیر شده است. برخی آن را همان زخم میغ می‌پندارند و گروهی دیگر از آن به رنج‌های دیگر تعبیر می‌کنند.

بنا بر آنچه دربار قدیس آسیزی گفته‌اند، وی وقتی روی کوه آلورنا دعا می‌کرد، رؤیایی از مصلوب شدن مسیح و پنج زخمی که در بدن عیسی مسیح بود، دید و پس از آن در طول دو سال آخر حیاتش هر پنج زخم در او پدید آمد. (تونلی / ۱۳۸۶: ص ۲۰۰) نه تنها جراحات در دست و پا بلکه به نظر می‌رسید تمام جراحاتش با میخ‌هایی سوراخ شده و این زخم‌ها آن قدر بزرگ بود که انگشت به راحتی می‌توانست داخل آن شود.

تجرب قدیس آسیزی در انتها درجه خود بود. در سال ۱۲۵۹ بوناونتورا دربار زخم میغ در بدن فرانسیس تأمل و تعمق نمود و بر آن شد تا اثری به نام «هجرت روح به سوی خدا» را به نگارش درآورد. (تونلی / ۱۳۸۶: ص ۲۰۵) در قرون بعدی نیز زخم‌های میغ در افراد معروف دیگری گزارش شده است. شماری از موارد زخم میغ در قرن نوزدهم و بیستم نیز ثبت گردید. مهم‌ترین آن‌ها



جراحات در بدن زنی به نام کاترین امریچ یک قدیسه آگوستینی آلمانی الاصل بود. زخم میخ او در سال ۱۸۱۲ در طی جذب روحانی‌اش ایجاد شد. او بعدها مرگ عظیم یا هفت آخر زندگی مسیح را توصیف کرد و به نظر می‌رسد گزارش او باید بعداً جمع‌آوری و منتشر شده باشد. گفتار وی یک قرائت مشهور برای دین داران کاتولیک و اساس فیلم مل گیسون بوده است. مورد دیگر زخم‌های مشهور قدیس پادریو یک راهب ایتالیایی است که جراحاتی بر بدنش در سپتامبر ۱۹۱۸ در رؤیای ملاقات با عیسی مسیح به وجود آمد. در این تجربه دست، پاها و اطراف بدنش دچار خون‌ریزی شد؛ اما اندکی پیش از مرگ به طور ناگهانی این جراحات در بدن وی از بین رفت. از نظر مسیحیان بنا بر آزمایش‌های مدرن در هیپنوتیزم و روان‌شناسی ثابت شده است که هیچ چیز وهمی و اغراق آمیز در ثبت چنین پدیده‌هایی وجود ندارد. در مسیحیت فرقه‌ای به نام انجمن عیسی وجود دارد که در هفت سوم تمرین‌های خود فرد سالک بر رنج‌ها و مصائب مسیح به هنگام دست‌گیری و مصلوب شدن به تفکر و تأمل می‌پردازد. (تونی / ۱۳۸۶: ص ۳۶۶)

پیام رنج

در انجیل آمده است مسیح با رنج خویش و از طریق رنج اطاعت را آموزش داد. او به واسطه رنج کامل شده و روح حیات‌بخش گردید، در حالی که اناجیل بر بی‌گناهی وی شهادت می‌دهند. یعنی با اینکه او قدوس و معصوم بود، رنج بسیار برد تا گناهکاران را رهایی بخشد. او در عین قدوسیت به طور حقیقی یک انسان با هم ابتلائات جسمی بود. از مردم رنج کشید اما قلبش در محبت به خدا کامل بود و با محبت عمل می‌کرد. «مسیح برای ما رنج کشید ... هیچ گناه نکرد و مکر در زبانش نبود.»

او آنانی را که از ترس مرگ تمام عمر خود را گرفتار بندگی بودند آزاد کرد. از این جهت می‌بایست در هر امر مشابه برادران خود شود تا کفار گناهان قوم را بپردازد. چون که عذاب کشیده و تجربه دیده، استطاعت دارد که تجربه کنندگان را استعانت کند. همچنین جمیع انبیاء بر او



شهادت می‌دهند هر که به وی ایمان آورد، آمرزش گناهان را خواهد یافت. در واقع مسیح شریک رنج‌های ما شد و ما در پیروزی او سهیم شدیم. اگر او حقیقتاً رنج نمی‌کشید هیچ فیضی هم وجود نمی‌داشت. (هنری / ۱۹۸۱: ۸۹-۹۰) از این رو برخی از مسیحیان بنا بر نظری محبت خداوند، معتقدند مرگ مسیح تنها نتیجه طبیعی انسان شدن او بود؛ و عیسی مسیح تنها به واسطه گناهان مخلوقات رنج کشید. محبت خدا که در مجسم شدن، رنج‌ها و مرگ مسیح ظاهر شد برای این بود که قلب انسان را نرم کند و او را به توبه وادارد (هنری / بی‌تا: ص ۲۲۱) و مسیح انسان‌ها را چنان توانی بخشید که بتوانند از شکاف جدایی انداز میان خدا و انسان بگذرند. (کرن / ۱۳۸۲: ۱۳۱)

رنج در هنر مسیحی

طی مراسم هفت رنج، انواع سرود، موسیقی در کلیسا تحت عنوان مصیبت مسیح برگزار می‌شود. مانند: ماتم غم‌نامه پیامبر، هفت کلام پایانی مسیح، خواندن مجموع حکایت رنج از یکی از اناجیل در طی هفته مقدس که به قرن چهارم برمی‌گردد. از حدود قرون هشت و نه بود که این مصیبت‌خوانی به صورت آواز درآمد، و بعدها در قرن پانزدهم تعداد اندکی از سبک‌های خاص به وجود آمدند. در قرن شانزدهم مجموعه‌هایی نظیر آن‌ها پدید آمد و بعدها به تدریج گسترش یافت. امروزه در کلیسای کاتولیک افراد زیادی به ساختن موسیقی‌های جدید رنج پرداخته‌اند. علاوه بر ساخت موسیقی‌های متنوع رنج، تألیفات و فیلم‌هایی نیز در همین رابطه ساخته شده است. برای نمونه می‌توان از فیلم مصائب عیسی مسیح نام برد.

مسئله رنج عیسی مسیح امری عجیب شده با فرهنگ، سنت و هنر مسیحی است و منبع اصلی آن نیز حکایت مصیبت رنج مسیح در اناجیل می‌باشد. علاوه بر رنج مسیح، آزار و اذیت و مرگ دردناک مسیحیان اولیه و شهدا در هنر قرون وسطی نیز آشکار است؛ مانند مصلوب شدن، پوست کندن، داغ نهادن، شلاق زدن، شکم دریدن، حمله با تیغ و نیزه، روش‌های عجیب و غریب شکنجه و زندانی کردن.



مکتب رنج

گروهی که با هدف احیاء خاطر رنج عیسی مسیح در جامع کاتولیک به وجود آمد. این فرقه به وسیله قدیس پل فرانسیس دنیو پایه گذاری شد. وی در شمال ارن ایتالیا متولد شده و رشد یافت. بنا بر ادعای فرانسیس وی در یک الهام مستقیماً از عیسی مسیح فرمان تأسیس فرقه رنج را دریافت نمود. وی قانون این فرقه را خود تدوین کرد. قانون و شکل زندگی فرانسیسکن ها توأم با اطاعت، پاک دامنی و بدون هیچ گونه دارایی می باشد. زیرا فرانسیس معتقد بود که باید همچون رسولان با فقر و تنگدستی برای خدمت به خدا زندگی کرد. یعنی پیروی از تعلیم و الگوی خداوند عیسی مسیح. وی اذعان می دارد اگر روزی پولی یافتم با آن همانند خاکی که در زیر پایم است رفتار خواهم کرد زیرا پول بیهوده ترین بیهودگی ها می باشد. (تونی / تاریخ تفکر مسیحی، ص ۲۰۰)



نتیجه بحث

از آنجایی که حیات انسانی از اصل و اساس با رنج آغاز می شود و در ادامه ی زندگی نیز با این احساس همراه است. انسان همیشه درصدد است تا میزان رنج های زندگی خویش را کاهش دهد و بر آسایش ها و لذات زندگی خویش بیفزاید. هویت اصلی انسان از سایر مخلوقات با مفهومی به نام رنج متمایز می شود و هدف و غایت خلقت انسان در گرو مفهومی به نام رنج است که آن محصول مشقت و سختی های انسان در قالب ناکامی هاست. حال، انسان مؤمن سالک که قصد دارد از دنیا به عنوان مزرعهای برای آخرت خویش بهره ببرد، باید در قبال این همه رنج ها و مصائب بپذیرد که همین رنج و تعب است که او را به کمال و ترقی سوق می دهد. اگر در مشقت نمی بود برای از بین بردن آن تلاش نمی کرد و اگر تلاش نمی کرد، ابواب اسرار کائنات بر رویش گشوده نمی شد و



نظام احسن الهی در کنار این رنج‌هاست که معنای حقیقی خود را به دست می‌آورد. پیام مکتب وحی این است که یک جامعه، زمانی پویاست که نگاه به موضوع رنج یک نگاه واقع بینانه بوده و آن را پایه ای برای رشد و ترقی به سوی کمال بداند. ولی در صورتی که نگاه واقع بینانه نبوده و یا به تعبیری با روبرو شدن رنجی و یا سختی به دنبال رفع آسیب‌ها برآید، قطعاً این روش نمی‌تواند جامعه و یا انسان را از انواع سختی‌ها برهاند. مسیحیان واقعی نیز رنج را یکی از ویژگی‌های فردی انسان می‌دانند. از جمله کِرکگور که در سپهر دینی رنج را نه تنها کیفر گناه یا مانع رشد انسان تلقی نمی‌کند، بلکه آن را لازمه وجود انسانی، نشانه عمل مذهبی، عامل تعالی و مکتبی آموزنده می‌داند که فرد در آن حقیقت مسیحیت را - که همان اقتدا به مسیح است - فرا می‌گیرد، مسئولیت رنج و تسلاهی خود را بر عهده می‌گیرد، رنج خویش را در مقایسه با ابدیت و شادی ابدی علی‌رغم سنگینی و سختی‌اش سبک بارانه تحمّل می‌کند، آن را راه تعالی خویش می‌داند و در طریق رنج به وادی ابدیت و عشق الهی پای می‌گذارد.



منابع

- * **قرآن کریم**، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، بی تا.
- * **کتاب مقدس**، ترجمه انجمن کتاب مقدس، ایران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۸۷.
۱. تونی، لین، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسیریان، تهران، فرزانه روز، پازوکی، ۱۳۷۴، ش ۵ و ۶.
 ۲. حقی، اسماعیلی، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
 ۳. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
 ۴. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین (علیه‌السلام)، قم، مؤسسه

- آل البيت، ۱۴۰۸ ه.ق.
۵. رنجبر، محمدرضا، سلوک باران، دفتر اول، ۱۳۶۷.
۶. سورن، کرگورد، ترجمه فضل الله پاکزاد، آگزیده‌ای از یادداشت‌های واپسین سال‌ها، فصلنامه ارغنون، ش ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۴.
۷. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه، تحقیق شیخ محمد عبده، قم، دار ذخایر، ۱۳۷۰.
۸. شایقی، محمدرضا، اسرار رنج‌ها، یزد، بهشت دار العباد، ۱۳۹۴.
۹. شیرخدایی، انسیه، رنج در مسیحیت، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، خرداد ۹۴، سال دهم، شماره ۳.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۹.
۱۲. فجرى، محمد مهدى، راز رنج‌ها، قم، انتشارات زائر آستانه مقدسه، ۱۳۹۱.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۱۶. کرن، آرسترانگ، خداشناسی از ابراهیم تا کنون، ترجمه محسن سپهر، تهران، مرکز، ۱۳۸۲.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷.
۲۰. هنری، بتسون، منتخبی از نوشته‌های پدران اولی کلیسا، ترجمه واتیکان، یونایتد پرس، ۱۹۸۲.
۲۱. هنری، تیسن، الهیات مسیحی، ترجمه ط. میکائیلیان، قم، حیات ابدی، بی تا.

